

گزارش تپش از زندانیان ایرانی که سال ها در زندان های مخوف خارجی گرفتار بودند

در بند اجنبی

سفر همیشه جذاب است و پراز لذت؛ چه در داخل کشور باشد و چه در خارج از آن. اغلب اوقات، سفرها چه خارجی و چه داخلی اش به خیر و خوشی تمام می شود و سرکار و زندگی مان برمی گردیم اما گاهی اوقات، در طول سفر، همه چیز روی دنده چپش می افتد و سفری که فکر می کنیم پراز خاطره و به یادماندنی شود، باورود به زندان کشورهای خارجی، تبدیل به یکی از جهنمی ترین خاطرات زندگی مان می شود. آن قدر که بارها خودمان را به خاطر آن سفر سرزنش کرده و آرزو می کنیم یک بار دیگر پایمان به خاک و وطن برسد. در یکی از آخرین خبرهای مربوط به آزادی زندانیان در بند خارج از کشور، ۱۴ صیاد ایرانی اهل سیستان و بلوچستان که به خاطر ورود غیرمجاز به آب های پاکستان در بندر کراچی زندانی بودند، شنبه، ششم دی ماه آزاد شدند و به شهر محل سکونت شان در این استان برگشتند. به این بهانه نگاهی انداخته ایم به حبس تعدادی از هموطنان در خارج از کشور.

لیلا حسین زاده

تپش

شرایط سخت در زندان مخوف

۲۷ آبان امسال، نوبت آزادی هشت صیادی بود که به اسارت ارتش کشور تانزانیا درآمده بودند. سه سال و نیم پیش، ۱۰ صیاد از بندر بریس در حوالی چابهار به قصد صید ماهی به سمت آب های آزاد حرکت کردند اما به خواب هم نمی دیدند به جای صید ماهی، خود به اسارت ارتش کشور تانزانیا درآیند. ظرفیت زندان ۱۲۰۰ نفر بود اما یکی از اتاق های زندان، اتاقی ۴ بود که ۷۰ تا ۸۰ نفر در آن نگهداری می شدند و یکی از اسرای ایرانی در آن نگهداری می شد. زندانیان فقط یک وعده غذایی به آنها می دادند. زندانیان قدیمی، از حمام های داخل بند و زندانیان جدید از حمام داخل حیاط استفاده می کردند که آب گرم نداشت و سرد بود. تا به وضع اضطرار نمی رسیدند، حق دستشویی رفتن نداشتند. آنجا چیزی به نام کولر و پنکه و آبگرم و وجود نداشت. زمستان مثل بید به خود می لرزیدند و در تابستان عرق می ریختند. زندانیان با استفاده از یک باتوم چوبی، شروع به کتک زدن صیادان کرده و با آن، طوری به دست و پا ضربه می زدند که استخوان های بعضی از زندانی ها می شکست. با این که در زندان دکتر حضور داشت اما سهم هر بیمار فقط یک مسکن بود. تا حال زندانی وخیم نمی شد، از رسیدگی پزشکی خبری نبود. تا دو سال تمام، کار آنها رفت و آمد به دادگاه تانزانیا بود تا پرونده شان تکمیل شود. پس از سه سال و نیم بالاخره به آنها گفتند به زودی آزاده شده و به ایران برمی گردند. سرانجام پس از تکمیل پرونده و رایزنی دولت تانزانیا با دولت ایران، هشت صیاد، آبان ماه در حالی به ایران برگشتند که هنوز ناخدا و یک صیاد دیگر از این ۱۰ صیاد، اسیر بند زندان های کشور تانزانیا هستند.

اسارت ۱۲ صیاد در موزامبیک

پس از آزادی هشت صیاد در بند کشور تانزانیا، این بار نوبت ۱۲ صیاد بود که به اسارت پلیس کشور موزامبیک درآیند. آنها اوایل آذر ۹۸ برای صید ماهی سوار بر لنج عازم آب های بین المللی شدند. سه هفته بعد و در شرایطی که خانواده ها منتظر برگشت ملوانان بودند، ناگهان پلیس موزامبیک آنها را دستگیر و به زندان منتقل کرد.

زندان دزدان دریایی

ماجرای اسارت صیادان ایرانی، سابقه طولانی دارد. زندانیانی بیگناه که در زندانی غیررسمی با شرایطی مرگبار روزها را سپری کردند و تعدادی از آنها هیچ وقت روی آزادی را ندیدند. قدیمی ترین ماجرای آزادی صیادان به بهمن سال ۹۳ برمی گردد که در آن ۲۱ صیاد اهل سیستان و بلوچستان با لنج از بندر کنارک راهی دریا شدند. سفری که قرار بود دو ماهه تمام شود، ۴۰ ماه طول کشید و به اسارت دزدان سومالیایی درآمدند. دزدان به شدت به آزار و اذیت صیادان پرداختند. آنها با آب شور حمام می کردند و پوست شان زیر آفتاب می سوخت. دزدان با دندان طوری بازوی آنها را گاز می گرفتند که گوشت از بدن جدا می شد. با آهن پای یکی از صیادان را از چهار جا شکستند. در روزهای اول دو نفر جان سپردند. شش نفر دیگر هم بر اثر گرسنگی فوت شدند. دو نفر صبح، دو نفر عصر و دو نفر شب. برگ درخت می خوردند تا زنده بمانند و صبح تا غروب آنها را از درخت آویزان می کردند. کتک ها و زجرهای هرروزه، صیادان را جان به لب کرده بود. سرانجام یک روز دزدان گفتند قصد دارند آنها را به ایران برگردانند. صیادان را پس از چندبار نقل و انتقال، تحویل سفارت ایران در کنیا دادند و از آنجا هم به ایران بازگشتند.



پس از انتقال به زندان تا ماه ها هیچ کس از وضعیت شان خبر نداشت تا این که فیلمی از آنها درحالی که در یک اتاق کثیف و نمور و در شرایطی که برخی از آنها مبتلا به مشکلات عفونی و پوستی شده بودند، منتشر شد. زندانیان، تلفنی با خانواده های شان صحبت کرده و از وضعیت بد غذای شان گفتند. از لباس جدیدی که نداشتند و همان لباسی تن شان بود که یک سال پیش به تن داشتند. از نبود بهداشت گله کردند و از این که اگر بیمار شوند، کسی نیست به آنها رسیدگی کند. صیادان، نگران اعضای خانواده شان هستند که هیچ منبع درآمدی ندارند و تنها درآمدشان یارانه ای است که ماهانه دریافت می کنند.

همیشه قرار نیست در زندان های رسمی افراد حبس شوند گاهی آنها در دام دزدان دریایی گرفتار می شوند و شرایطی بدتر از زندان را تحمل می کنند و روی آزادی نمی بینند

همیشه قرار نیست در زندان های رسمی افراد حبس شوند گاهی آنها در دام دزدان دریایی گرفتار می شوند و شرایطی بدتر از زندان را تحمل می کنند و روی آزادی نمی بینند